

لُفْسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾

میکشت فاسد زمین و لکن الله است دارای فضل بر عالمیان *

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

اینست آیات الله، کنیم تلاوت آنرا بتو بحق. و توئی از جمله مرسلین *

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ

اینست رُسل که فضیلت دادیم بعضی آنها را بر بعضی. از آنهاست آنکه

كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ^ط وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ

تکلم کرد الله با او و رفعت داد بعضی را بدرجات^١ و دادیم عیسی پسر مریم را

الْبَيْتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ^ط وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتُلَ الَّذِينَ

بینات و دستیاری کردیم او را با روح القدس. و اگر میخواست الله نمیکردند قتال کسان

مِنْ بَعْدِهِمْ^ل مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيْتِ^ل وَلَكِنْ اِخْتَلَفُوا

از بعد آنها، از بعد آنکه آمد برای آنها بینات، و لاکن اختلاف کردند

(١) معلوم میشود که مقصد محمد ﷺ است.

فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا^ث

وازانهاست آنکه ایمان آورد و از آنهاست آنکه کافر شد. و اگر میخواست الله نمیکردند قتال

وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ^ع يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا

ولاکن الله میکند آنچه کند اراده * یا ای کسان با ایمان دهید نفقه از آنچه

رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ^و

رِزق دادیم بشما از قبل آنکه بیاید روزیکه نیست بیعی در آن و نه خُلَّتی^۱ و

(۱) بیعی: خرید و فروش (در آنروز چیزی عوض شده نمیتواند) خلت: دوستی. خل: دوست (خلیل) (در آنروز دوستی بدرند نمیخورد).

لَا شَفَاعَةَ^ط وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۱۵۴﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ^ج

نه شفاعتی. و مردمان کافر هستند مردمان ظالم * اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ،

الْحَيُّ الْقَيُّومُ^ج لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ^ط وَلَا نَوْمٌ^ط لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ

الْحَيُّ الْقَيُّومُ . نمیگیرد او را سِنَةٌ^ط و نه خواب. از اوست آنچه در سماوات

وَمَا فِي الْأَرْضِ^ط مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ^ط إِلَّا بِإِذْنِهِ^ط يَعْلَمُ^ط

و آنچه در زمین. کیست آنکه کند شفاعت نزد او إِلَّا بِإِذْنِهِ^ط دارد علم

(۱) سنة (وسن): خواب کوتاه و عمیق، بینکی. سن: عمر.

مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ

آنچه در پیش آنهاست و آنچه در خلف آنهاست. و نتوانند احاطه بهیچ شیئی از

عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ

علم او الا آنچه خواهد. وسعت دارد کرسی او برسماوات و زمین. و

لَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي

نکند خسته او را حفظ آنها. و اوست العلیّ العظیم. * نباشد اکراه در

الدِّينَ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ

دین. حقاً بیان شد. رشد از گمراهی. پس هر که کرد کفر بر طاغوت

وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ

وآورد ایمان بر الله یقیناً تمسک کرد بر عروة الوثقی^۱. نیست گسست

لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۵۶﴾ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمُ

آنها. والله است سمیع علیم * الله است ولی کسان با ایمان، کند خارج آنها را

(۱) العروة: دست آویز. الوثقی: محکم.

مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَهُمُ الطَّاغُوتُ^۷

از ظلمات بسوی نور. و آنانکه کفر کردند اولیاء آنهاست طاغوت

يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ

کند خارج آنها را از نور بسوی ظلمات. آنها اند اصحاب آتش. آنها

فِيهَا خَالِدُونَ^۸ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ

آنجا خلد میکنند * آیا ندیدی بسوی آنکه احتجاج کرد با ابراهیم راجع به رب او که

أَتَىٰ اللَّهُ الْمَلِكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ

دادش الله ملك. وقتی گفت ابراهیم ربم آنست که دهد حیات و دهد موت

قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ ۗ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ

گفت من دهم حیات و دهم موت. گفت ابراهیم یقیناً الله میآرد شمس را

مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ ۗ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ ۗ

از مشرق بر آر آنرا از مغرب، شد مبهوت^۱ آنکه کفر کرد.

(۱) بهت: حیران، متعجب، در شگفت ماندن.

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ

و الله نکند هدايت قوم ظالم را * يا آنکه ميگذشت بقریه

وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ

و بود ويران بر سقفهايش. گفت چطور دهد حيات اينرا الله بعد

مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ ﴿٥٩﴾ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ

موت آن. دادش موت الله صد سال باز کرد بعثش. گفت چند درنگ کردی.

قَالَ لَيْسَتْ يَوْمًا أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَيْسَتْ بِإِثْمَةٍ عَامٍ

گفت درنگ کردم یومی یا برخی یوم. گفت بلکه درنگ کردی صد سال

فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ ۖ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ

بکن نظر به طعام خود و شراب خود، نشده مسن. و کن نظر به خر خود!

وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ ۖ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا

تا سازم ترا آیتی بمردم، بکن نظر به استخوانها چطور بهم آوریم آنرا

ثُمَّ نَكْسُوهُمَا الْحَبَا ط فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ ط قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ

باز پوشانیم آنرا گوشت. چون شد بیان برایش گفت علم دارم که الله است بر کل

شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾ وَاذُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى ط

شیء قدير * و وقتی گفت ابراهیم ربم نشانم ده چطور دهی حیات بمرده.

قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنُنِي ط قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا ط قَالَ فَاخْذُ

گفت آیا نداری ایمان. گفت بلی! و لاکن تا شود مطمئن قلبم. گفت اخذکن

أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ

چهارتا از طیور را بیاموز آنها را بخود باز بگذار بر هر کوه

مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمَنَّ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

از آنها جزئی باز بخوان آنها را، می آیند بسویت سعی کنان. و بدان که الله است عزیز

حَكِيمٌ * مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ

حکیم * مثال آنانکه میکنند انفاق اموال خود را فی سبیل الله بمثل

حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ ط

دانه ایست، میروید هفت خوشه، در هر خوشه آن صد دانه.

وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾ الَّذِينَ

و الله میکند مضاعف بهره خواهد. و الله است واسع علیم. آنانکه

يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبَعُونَ مَا أَنْفَقُوا

میدهند نفقه اموال خود را فی سبیل الله باز نکنند تعقیب آنچه نفقه کردند

مَنْ أَدَّى لَهُمْ أَجْرَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

با منت و نه اذیت، بآنهاست اجر آنها نزد رب آنها. و نیست خوفی بر آنها

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۴۲۲﴾ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ

و نه آنها میکنند حزن * قول معروف و مغفرت است بهتر از

صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿۴۲۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

صدقه که باشد در پی آن اذیتی. و الله است غنی حلیم * یا ای کسانی

أَمْ نُوَالِلُ الْبَاطِلِ أَصْدَقَ قِيَامًا بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ

با ایمان نکنید باطل صدقات خود را با منت و اذیت مثل آنکه میکند نفقه

مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ

مالش را به ریا بمردم و ندارد ایمان به الله و یوم آخرت. مثال اوست

كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَ صُدُوءًا

بمثال صفوانی،^۱ بر آن باشد خاکی، کند اصابت بر آن باران و ترکش کند صددا.^۲

(۱) صفوان: سنگ لشم و هموار. (۲) صددا: سنگ صاف شسته شده از خاک و گرد.

لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

ندارند قدرت بر شیء که کرده بودند کسب. و الله نمیکنند هدایت بقوم

الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ

کافران * و مثال آنانکه میکنند نفقه اموال خود را بطلب رضایت

اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ

الله و تثبیت نفسهای خود بمثل باغ بلندی، کند اصابت بر آن باران^۱

فَاتَتْ أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا

بار آرد میوه خود را دوچند. و اگر نشود نصیبش باران فقط شبنم. والله بر آنچه

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٦٥﴾ أَيَوَّدُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِمَّنْ

میکنید عمل بصیر است * آیا میخواهد احد شما که باشد او را باغی از

تَنْخِيلُ وَاَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فِيهَا مِنْ

نخلها و اعناب، جاری از تحت آن انهار، برایش آنجا باشد از

(١) وابل: باران شدید.

كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۗ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ ۗ فَأَصَابَهَا

كل ثمرات و کند اصابت باو کبر (سن) و او را باشد اولادهای ضعیف. باز کند اصابت بآن

إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ

طوفانی آتشین پس احتراق کند. بدینسان میکند بیان الله بشما آیات را

لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٠٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا انْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ

تا که شما تفکر کنید * یا ای کسان با ایمان دهید نفقه از پاک‌ها

مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا

آنچه کسب کردید و آنچه اخراج کردیم برای شما از زمین و نباشید بتمنا

الْخَبِيثَاتِ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِأَخِيذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا

خبیث که از آن نفقه دهید ؛ و نیستید اخذکننده آن الا که کنید اغماض^۱

فِيهِ وَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ

در آن. و بدانید که الله است غنی حمید * شیطان دهد وعده بشما

(۱) اغماض: چشم پوشی. (آنچه را به کراهیت، شرمندگی یا سرافکنندگی بدست میآید)

الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ

فقر را و امر کند شمارا به فحشاء. و الله دهد وعده بشما مغفرت از خود

وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١٦٨﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ

و فضل را. و الله است واسع عليم * میدهد حکمت هر کرا خواهد.

وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا

و بهره که داده شد حکمت البته داده شد خیر. و نشوند متذکر الا

أُولَئِكَ الْأَكْبَابُ ﴿٣٦٩﴾ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ

صاحبان خرد * و آنچه نفقه می‌دهید از نفقه یا نذر می‌کنید از

نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٣٧٠﴾ إِنَّ

نذری پس یقیناً الله دارد علم بر آن. و نباشد برای ظالمین کدام نصرت دهنده * اگر

يُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُوتُوهَا الْفُقَرَاءَ

آشکارا کنید صدقات را هست خوب آن. و اگر مخفی دارید آنرا و دهید آنرا بفقراء

فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

آنست بهتر بشما. و میکند کفاره بشما از گناهان شما. و الله است بآنچه میکنید

خَيْرٌ ﴿٢٧١﴾ لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

خبیر * نیست بر تو هدایت آنها و لاکن الله میکند هدایت هر کرا خواهد.

وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا نُفْسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ

و آنچه نفقه میدهید از خیر برای خود شماست. و ندهید نفقه إلا برای دریافت

وَجْهَ اللَّهِ وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٣﴾

وجه الله. و آنچه نفقه می‌دهید از خیر، شود ایفاء بشما و بشما نشود ظلم*

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

برای فقراء است که حصار شده اند فی سبیل الله، ندارند استطاعت

ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ

کمائی در زمین، حساب میکنند آنها را جاهلی، در جمله اغنیاء، از اینکه دارند عفت.

تَعْرِفُهُمْ بِسَيِّئِهِمْ ۚ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِخْفَافًا ۖ وَمَا تُنْفِقُوا

می شناسید آنها را از سیماء آنها. نمیکنند سؤال از مردم به الحاح.^۱ و آنچه نفقه می دهید

مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ۚ ۴ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ

از خیری یقیناً الله است بر آن علیم * کسانیکه میکنند نفقه اموال خود را

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً ۖ فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ

شب و روز، سری و علنی برای آنهاست اجر آنها نزد رب آنها.

(۱) به الحاح: به اصرار، به پافشاری، باتأکید.

وَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَأَلْهَمٌ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٢﴾ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا

و نه خوف است بر آنها و نه آنها میشوند محزون * کسانیکه میخورند ربا

لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ

نگیرند مقام إلا بمثل که گیرد مقام آنکه انداخت بخبط او را شیطان از

الْمَسِّ ط ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَمَا أَحَلَّ

مس خود. اینطور چونکه آنها گویند یقیناً بیع است مثل ربا. و حلال کرده

(١) انداخت بخبط: انداخت به سهو، خطا، دیوانگی، خلل دماغی و مغشوش ساخت.

اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ

الله بیع را و حرام کرده ربا را. پس هر که را برسد موعظه از رب او

فَاتْتَمَّتْ فَلَئِمَّا سَلَفَتْ وَأَمْرًا إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ

و منتهی دهد، از اوست آنچه گذشت^١. و امر اوست نزد الله. و هر که عودت کند باز آنها اند

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي

اصحاب آتش. آنها همانجا خلد میکنند * میکند محو الله ربا را و میپرورد

(١) وقتیکه از ربا دست کشید آنچه در گذشته حاصل کرده بود از اوست.

الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

صدقات را. و الله ندارد حب بكل کفار گناهکار * یقیناً کسان با ایمان

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَاقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ

و اعمال صالح که میدارند قائم صلوات را و میدهند زکات را بآنهاست

أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧﴾

اجر آنها نزد رب آنها. و نیست خوفی بر آنها و نه آنها کنند حزن *

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن

یا ای کسان با ایمان کنید تقوا الله را و بگذارید آنچه باقیست از ربا اگر

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ

هستید مردم مؤمن * پس اگر نکردید، شوید آماده حرب با الله

وَرَسُولِهِٓ ۚ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ

و رسول او. و اگر توبه کردید بشماست سرمایه اموال شما. نکنید ظلم

وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٦٩﴾ وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ^ط

که نشود ظلم بر شما* و اگر باشد در عسرت باید انتظار تا زمان آسانی.^۱

وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧٠﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا

و اگر صدقه کنید خیر است برای شما اگر هستید دارای علم* و بترسید از روزیکه

تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَىٰ اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ

میکنید رجعت در آن پیش الله. باز ایفاء میشود هر نفس را آنچه کسب کرده و

(۱) اگر مقروض بمشکل باشد برایش مهلت داده شود.

هُم لَا يُظْلَمُونَ^٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ

برآنها نمیشود ظلم * یا ای کسان با ایمان وقتی دین میگذارید به دینی

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى^٥ فَاكْتُبُوا وَلِيَكُنْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ

تا اجل مسمی^٥ بنویسید آنرا. و بنویسد بین شما کاتب با عدل،

وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلِيُمِلَّ

ونکند ابا کاتب که بنویسد طوریکه تعلیم داد اورا الله که بنویسد. واملأ کند

(١) اجل مسمی: میعاد مقرر، وقت تعیین شده.

الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلِيَّتِي اللَّهُ رَبُّهُ وَلَا يَبْخَسُ مِنْهُ شَيْئًا

آنکه براوست حق و بترسد از الله، رب خود، و نکند کم از آن هیچ شیء.

فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ

و اگر باشد آنکه براوست حق، سفیهه یا ضعیف یا نداشته باشد استطاعت

أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلَئِمِلُّ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ^ط وَأَسْتَشْهِدُ وَ

که کند املا خود او پس کند املا ولی او با عدل. و شاهد تعین کنید

شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ

دو شاهد از جمله مردان خود. و اگر نباشد دو مرد باز یک مرد

وَأَمْرًا ثِن مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا

و دوزن ؛ از آنکه هستید راضی از جمله شهداء ؛ اگر کند سهو یکی آنها

فَتُدْكَرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا

شود متذکر یکی آنها بر دیگری. و نورزند ابا شهداء وقتی دعوت شوند.

وَلَا تَسْأَلُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ

و نكنید فرو گذاشت که بنوسید آنرا صغیر باشد یا کبیر باشد تا به اجل آن. اینست

أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا

بس انصاف نزد الله و قائم تر برای شهادت و قریب تراست تا نشوید متردد الا

أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ

که باشد تجارت حاضره که میکنید داد و ستد بین خود باز نیست بر شما

جُنَاحٌ إِلَّا تَكْتُبُوهَا ۖ وَأَشْهَدُ وَإِذَا تَبَايَعْتُمْ ۖ وَلَا يُضَارُّ

گناه که نکنید نوشته آنرا. و شاهد بگیرید وقتی بیع میکنید و نباید ضرر رسد

كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ ۖ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ ۖ وَاتَّقُوا

بکاتب و نه برای شهید. و اگر چنین فعل کردید باشد آن فسوق بر شما. و تقوا کنید

اللَّهُ ۖ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ ۖ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٨٦﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ

نزد الله. و میدهد تعلیم شمارا الله. و الله است بر كل شیء علیم * و اگر باشید

عَلَى سَفَرٍ وَّلَمْ تَجِدْ وَاكَاتِبًا فَرِهْنَ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ

بر سفر و ن کنید پیدا کاتبی باید رهان شود مقبوضه. ۱ اگر امانت گذارد

بَعْضُكُمْ بَعْضًا فليُؤدِّ الَّذِي أُوتِيَ اِمَانَةً وَلِيَتَّقِ اللَّهَ

بعضی شما بعضی کند مسترد کسی امانتکار امانت را و کند تقوا به الله

رَبِّهِ وَلَا تَكْتُبُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُبْهَا فَإِنَّهُ آثَمُ قَلْبًا

رب خود. و ن کنید پنهان شهادت را. و هر که کند پنهان آنرا باز اوست گناه کار قلبش.

(۱) رهان: رها کردن، سپردن، دادن. (۲) مقبوضه: قبضه کردن، گرو گرفتن، حاصل نمودن.

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٨٣﴾ ۴ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

و الله است بآنچه میکند عمل علیم * از الله است آنچه در سماواتست و آنچه در

الْأَرْضِ ۵ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يَحْسِبْكُمْ بِهِ

زمین. و اگر آشکار سازید آنچه در نفسهای شماست یا مخفی دارید آنرا، حساب میکند باشما آنرا

اللَّهُ ۶ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۷ وَاللَّهُ عَلَىٰ

الله. و میکند مغفرت هر کرا خواهد و میکند عذاب هر کرا خواهد. و الله است بر

كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٢٦﴾ اَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا اُنزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ

كل شیء قدير. * دارد ایمان رسول بر آنچه نازل شد براو از جانب رب او

وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ اَمَّنَ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ

و همه مؤمنان. کل دارند ایمان به الله و ملائک او و کُتُب او و رُسل او.

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا

"نکنیم فرق بین احدی از رُسل او." و میگویند میشنویم و اطاعت میکنیم

غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿١٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا

مغفرت کن مارا رب ما و بسوی توست مصیر * نکند مکلف الله نفسی را الا

وَسَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا

بوسع او. باوست آنچه کسب کرد و برعلیه اوست آنچه کسب کرد. رب ما نگیر مارا

إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَانَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا

اگر کردیم نسیان یا خطا کردیم. رب ما و نکن تحمیل برما مشکلی چنانکه

حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَاطَاقَةٌ

حمل کردی آنرا بر کسان از قبل ما. رب ما و نکن حمل بر ما آنچه نیست طاقت

لَنَا بِهٖ وَعَافُ عَنَّا وَعَافُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا

مارا برآن. و عفو کن مارا. و مغفرت کن مارا. و رحم کن بر ما. تو هستی مولای ما پس نصرت ده مارا

عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ٤

بر قوم کافران *